

تحلیل جامعه‌شناختی زلزله شهر بم

فریدون وحید^۱

امیرسلطانی نژاد^۲

ایوب سلطانی نژاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۴

چکیده

پی آمد ابتدایی زلزله ی مهیب پنجم دی ماه یک هزار سیصد هشتاد دو شهر بم، کشته شدن بیش از سی هزار نفر و بی خانمان شدن صدها هزار نفر از قربانیان این حادثه بود. اگر چه زلزله در حیطه ی مباحث جامعه‌شناسی قرار ندارد؛ ولی بعد از وقوع، به سبب آثاراجتماعی گوناگون از جمله از هم گسیختگی سازمان و روابط اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی به موضوعی جامعه‌شناختی بدل می شود. با وجود آسیب های اجتماعی زلزله، بیشتر به خسارات مالی و جسمانی آن پرداخته شده و پیامدهای اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. بدین منظور مقاله حاضر بر آن شد که پیامدهای جامعه‌شناختی زلزله در شهر بم را در دو بخش واکنش های جمعی و دگرگونی های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. این نوشتار، مقوله های مربوط به واکنش های جمعی را در میان ۲۲۰ آزمودنی دختر و پسر مقطع متوسطه شهر بم با روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار پرسشنامه به محک آزمون نهاده است. سنجش معرف های دگرگونی های اجتماعی نیز با ابزار مشاهده و مصاحبه مورد نظر است. یافته ها حکایت از آن دارد که بعد از زلزله روحیه تقدیر گرایی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین حادثه دیدگان افزایش یافته، همچنین زلزله، دگرگونی ها و تغییراتی از جمله فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، تخریب شبکه های مردمی، آسیب پذیری خانواده و عدم سازش ساخت ها را به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: بم، زلزله، فاجعه، آسیب پذیری، دگرگونی های اجتماعی، واکنش های جمعی

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی Email: Mosa.soltani@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت بحران

۱. مقدمه

زندگی بشر همواره با دو گونه مسأله‌ی عام پیش‌بینی‌پذیر طبیعی و انسانی مواجه است. در پیدایش بلایای طبیعی برخلاف مسایل انسانی، دست بشر چندان در کار نیست و این حوادث هر از گاهی رخ می‌دهند و فاجعه‌های دلخراشی می‌آفریند. از نظر غافل‌گیری و عدم پیش‌بینی‌پذیری، زلزله جایگاه نخست را در میان تمامی بلایای طبیعی به خود اختصاص داده است. کشور ایران به دلیل قرارگرفتن روی کمربند زلزله یکی از زلزله‌خیزترین مناطق دنیا است و به طور میانگین هفته‌ای یک بار زلزله‌ای بالای سه ریشتر را تجربه می‌کند. نگاهی به آمار زلزله در ایران نشان می‌دهد که در صد سال اخیر حدود ۴۰ زلزله، به طور متوسط هر ۲/۵ سال یک زمین‌لرزه، به بزرگی ۶/۵ ریشتر رخ داده است. مناطقی چون تربت حیدریه، شیروان، لاریجان، رودبارگیلان، طبس، سیرج کرمان و بم مهمترین آن‌ها بودند که در این وقایع بیش از ۱۷۰ هزار نفر از ایرانیان جان خود را از دست دادند (گزارش مؤسسه ژئوفیزی (۵۴:۱۳۸۳). اگر چه بلایای طبیعی در ابتدا موضوع کنکاش مباحث جامعه‌شناختی نیست؛ اما به سبب وقوع اتفاقات پس از آن، این علم می‌تواند به این موضوع وارد شود. پیامدهای اجتماعی حوادث عظیمی چون زلزله، بر ساخته شدن «آنومی»^۱، «نابسامانی» و «عدم تعادل اجتماعی» است. چراکه به هم خوردن الگوهای مرسوم و متعارف زندگی اجتماعی و فروپاشی نظم موجود، تأخیر ساختارها و نهادهای اجتماعی در عدم تطابق با شرایط و پاسخ به انتظارات و نیازهای موجود آمده را در پی خواهد داشت. چنین شرایط و آثار اجتماعی است که ورود علم جامعه‌شناسی مشروعیت می‌بخشد. بر این اساس زلزله نه تنها رویدادی زمین‌شناسی است، بلکه مسأله‌ای به غایت جامعه‌شناختی نیز هست. با این وجود، متأسفانه سیاست‌گذاری‌های کلان دولتی و بین‌المللی در برخورد با زلزله بیشتر معطوف به پیامدهای جسمانی و مالی این واقعه است و عوارض اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. گواه این مدعا، تعریفی است که دفتر سازمان ملل متحد از فاجعه ارائه کرده است. در این تعریف، «کشته شدن ده نفر با خسارات مالی بالغ بر یک میلیون دلار، یکی از معیارهای فاجعه قلمداد گردیده و حتی اشاره‌ای به عوارض اجتماعی رفتاری قربانیان نشده است. در حالی که این حوادث، در طول تاریخ عوارض شدید و دیرپایی را از خود بر جای گذارده‌اند» (پیران، ۱۳۸۲: ۲۰).

در این راستا، طرح و بررسی‌شناخت پیامدهای زلزله از چشم‌انداز جامعه‌شناسی، می‌تواند بیانگر پاسخ به مدیریت‌های جدیدی باشد که در جهت نیل به یک انتظام سالم و عاری از تعارضات بلایایی چون زلزله گام بر می‌دارند. این پیامدها از جهات مختلف قابل بررسی است؛ اما هدف نوشتار مذکور، شناخت آن‌ها در دو بخش الگوهای رفتاری و دگرگونی‌های اجتماعی و ارائه‌ی راهکارها و خط‌مشی‌های عملی است تا مدیران و تصمیم‌گیران با تکیه بر نتایج به دست آمده در یابند که به منظور تحقق شرایط مطلوب پس از حادثه، چه نوع اهرم‌هایی بایستی مورد استفاده قرار گیرد و از کدام شیوه‌ها می‌بایست پرهیز شود.

جامعه‌شناسی فاجعه، رهیافتی مبتنی بر نظریه و دیدگاه‌های جامعه‌شناختی است که ابعاد اجتماعی رفتار انسان‌ها را به طور سیستماتیک در نظر می‌گیرد. این رهیافت به آسیب‌پذیری، واکنش‌جوابع، دگرگونی‌های اجتماعی و تأثیرات آسیب بر رفتار افراد در ابعاد اجتماعی می‌پردازد. به طور کلی این شاخه از جامعه‌شناسی، به دنبال مشخص نمودن این مسأله است که در شرایط فاجعه چه متغیرهایی بر ساختار یک نظام اجتماعی و روابط درون آن تأثیر می‌گذارد و همچنین با فرض عدم امکان جلوگیری از بروز یک واقعه فیزیکی مانند زلزله، چه اقداماتی باید انجام داد که از تبدیل شدن حادثه به فاجعه ممانعت شود. از عمده‌ترین مشکلات در مواجهه با مصایب جمعی، عدم توجه به شرایط فاجعه‌زدیدگاه جامعه‌شناسانه

1. anomie

است، که مطالعات مربوط به این حوزه یکی از شاخه‌های ناشناخته جامعه‌شناسی است. جالب توجه آن که در اکثر لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های جامعه‌شناسی اشاره‌ای نیز به آن نگردیده است. علت اصلی عدم علاقه جامعه‌شناسان به فاجعه، منبعث از برداشت‌های نادرست در باب علم شناخت جامعه یا جامعه‌شناسی است. تعدادی از جامعه‌شناسان بر این باور بودند که این شاخه ازدانش بشری، به بررسی الگوهای تکرار شونده فعالیت‌های انسانی می‌پردازد و فاجعه با پایداری ناشی از الگوهای تکرار شونده، در تناقض است. لذا از دید آنان، فاجعه با جریان عادی زندگی اجتماعی در تضاد است و پس از وقوع، زندگی را دچار وقفه می‌کند، هرج و مرج می‌آفریند، ساخت اجتماعی را از هم می‌پاشد و بی‌نظمی رابه جای نظم اجتماعی می‌نشانند (پیران، ۱۳۸۳). بر اساس چنین باوری، شاخه‌ای به نام جامعه‌شناسی فاجعه.

تا دهه ۱۹۲۰ وجود خارجی نداشت؛ تا اینکه برای اولین بار در سال ۱۹۲۰ یک دانشجوی دکتری به نام «اس. اچ پرنس»^۱ در بندرهای فاکس کانادا، تحقیقی در مورد تأثیر انفجار کشتی مهمات بر ایجاد تغییرات اجتماعی منطقه انجام داد. وی تلاش نمود حالات رفتاری مردم منطقه را با رویکرد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد مذاقه قرار دهد. پس از آن در سال ۱۹۳۵ «پراساد»^۲ در پژوهشی در باب شایعه به هنگام زلزله ۱۹۳۴ هند، به موضوع دراماتیزه کردن فاجعه پرداخت. مطالعه «کوتاک» در سال ۱۹۳۷ درباره آثار اجتماعی سیل، تحقیق «میرا»^۳ در زمینه پیامدهای روانی بمباران مناطق مسکونی در جریان جنگ داخلی اسپانیا از جمله تحقیقات انجام شده در زمینه جامعه‌شناسی فاجعه بودند که به روش‌شناسی پژوهش در حوادث طبیعی و نقش جنگ بر همبستگی اجتماعی پرداخته‌اند. اولین گام در زمینه نظریه سازی در جامعه‌شناسی فاجعه، توسط «پیتریم سورکین»^۴ با انتشار کتاب «انسان و جامعه در مصیبت»^۵ برداشته شد. وی معتقد بود، فاجعه به فرآیندهای روانی و ذهنی سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی جمعیت در معرض حادثه، اثری پایدار دارد. به اعتقاد سوروکین (۱۹۴۲) بعد از زلزله، آسیب‌دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و عواطف سروسامان می‌دهند و روحیه تقدیرگرایی از جمله این احساسات و عواطف است. رسمیت یافتن و نهادینه شدن جامعه‌شناسی فاجعه، علاوه بر کوشش‌های یاد شده، مدیون اندیشمندانی مانند «کوآران تلی»^۶ (۱۹۹۶)، «فردریک بتس»^۷ (۱۹۸۲) و «فریتز»^۸ (۱۹۷۲) نیز هست. فریتز به همراه کوآران تلی، پروژه تحقیقاتی فاجعه را برای «مرکز ملی پژوهش در عقاید» وابسته به دانشگاه شیکاگو سازمان‌دهی کرده‌اند. همچنین فریتز (۱۹۷۲) فاجعه را یک فشارزای روانی و اجتماعی می‌داند که پی‌آمد آن عدم تعادل بین نیازهای محیط و پاسخ‌دهی به ارگانیزم است. وی مهمترین آسیب فاجعه را فروپاشی تقسیم کار اجتماعی و یا برهم خوردن تعادل و هماهنگی اجتماع می‌داند که این فروپاشی و عدم تعادل به مثابه عامل تهدیدکننده اجتماع به شمار می‌رود. «همچنین زلزله، اتفاق غیرقابل‌کنترلی است که در زمان و مکان خاصی روی می‌دهد و خطر یا تهدید را در جامعه یا بخش‌های نسبتاً وسیعی از آن به وجود می‌آورد؛ مخاطرات شدید بر اجتماع تحمیل می‌کند و از تمام یا حداقل بخشی از کنش‌های جامعه جلوگیری و ممانعت به عمل می‌آورد» (نجاریان و براتی، ۱۳۷۹:۳۱). با توجه به نوپا بودن جامعه‌شناسی فاجعه، پرداختن بدین حوزه مطالعاتی حالتی دوگانه در محقق و به دنبال آن مخاطب و علاقمندان علمی آن ایجاد می‌کند. یک طرف، تحلیل شرایط بحرانی از منظر جامعه‌شناسی است که حالتی

1. H.prince
2. Prasad
3. Mira
4. P. Sorokin
5. Man and Society in Calamity
6. Qkarantelle
7. F. Bates
8. Frtz

بسیار مجرد و انتزاعی دارد و سوی دیگر، معطوف به نظریات بسیار محدود جامعه‌شناسی فاجعه است که کار را بسیار مشکل می‌کند. با این وجود واکاوی پیامدهای جامعه‌شناختی زلزله در دیدگاه‌های ساختی، کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین دور از دسترس نیست.

جامعه‌شناسی نظم، جامعه را همچون یک کل متشکل از عناصر و نهادهای بسیاری از جمله خانواده، دولت می‌داند که هر کدام از این عناصر کارکردی برای کل دارند. کارکرد گرایان ساختاری بر این باورند وجود نظم در جامعه مستلزم عمل به وظایف توسط اجزا نظام اجتماعی است. بر اساس دیدگاه «هربرت اسپنسر^۱» (ادیبی و انصاری، ۱۳۵۸). نظام اجتماعی مانند ارگانسیم موجود زنده است که تغییر در یک جزء، دگرگونی در سایر اجزاء را در پی دارد. در هنگام وقوع زلزله نه تنها اجزا، کارکرد خود را از دست می‌دهند و تغییر می‌کنند؛ بلکه کل نظام اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود و در انجام کارکردها خود با مشکل مواجه می‌شود. همچنین کارکردگرایان بر نقش چهارها در جامعه تاکید می‌کنند؛ چرا که تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد نظم از مهمترین کارکردهای چهارهاست. به اعتقاد «امیل دورکیم^۲» پیامد از هم گسیختگی چهارها و نیروهای نظارت‌گر اجتماعی وقوع شرایط بی‌هنجاری در جامعه است. البته از نظر تجربی، بی‌هنجاری یا بی‌ضابطگی کامل، امکان پذیر نیست، اما جوامع گوناگون را می‌توان بر حسب زیادی یا کمی درجات تنظیم‌های چهارها بخش از یکدیگر متمایز نمود. وانگهی، «درچارچوب هر جامعه خاص، گروه‌هایی با درجات متفاوت بی‌هنجاری می‌توانند وجود داشته باشند. دگرگونی اجتماعی می‌تواند در کل جامعه یا بخش‌هایی از آن، بی‌هنجاری ایجاد کند. هرگونه تحرک و تغییر سریع در ساختارهای اجتماعی که به از هم پاشیدگی شبکه‌ها بیانجامد. احتمال وقوع بی‌هنجاری را قوت می‌بخشد» (کوزر، ۱۹۲: ۱۳۷۳). بی‌هنجاری رامی‌توان وضعیت دانست که چهارهای معینی جهت پیروی افراد از آن‌ها وجود ندارد. یکی از عوامل بر ساخته نمودن بی‌هنجاری، بحران است. دورکیم نیز چنین موضوعی را با تحلیل تاثیر بحران‌های اقتصادی بر بی‌هنجاری جامعه مورد مذاقه قرار داده است. درحالی‌که زلزله، بحرانی به مراتب مخرب‌تر و شدیدتر از بحران اقتصادی است. در شرایط زلزله، جامعه نه تنها از چهارهای متعارف خود پیروی نمی‌کند؛ بلکه نوعی تغییر در نظام ارزشی و ساختی جامعه همراه با دگرگونی‌های معنادار به وجود می‌آید.

با رویکرد گیدنزی^۳ (۱۳۸۳)، تشخیص این دگرگونی معنادار، آن است که نشان دهیم چه اندازه در ساختار زیربنایی یک شی یا موقعیت خاص اجتماعی، تغییر به وجود آمده، و تأثیرات این دگرگونی بر ساخت کلی نظام، به چه ترتیب خواهد بود. به اعتقاد گیدنز، «در مورد جوامع انسانی برای تعیین این که یک نظام تا چه اندازه و به چه شیوه‌هایی تغییر می‌کند، باید نشان دهیم، تا چه اندازه تغییر در نهادهای اساسی، طی یک دوره معین با یک فرایند طبیعی غیرقابل پیش‌بینی، به وجود آمده است» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۷۱). بر اساس این گفته، جهت سنجش میزان تغییرات بوجود آمده بر اثر زلزله می‌توان تغییرات و دگرگونی‌های ایجاد شده در خانواده؛ از جمله تغییر در ساختار خانواده با مرگ یکی از والدین و تبدیل شدن خانواده گسترده به هسته‌ای را مورد توجه قرار داد. همچنین جامعه‌شناسان نظم اهمیت زیادی به تقسیم کار در جامعه قائل هستند. «دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی خود، تمایزپذیری مشاغل متعدد و فعالیت‌های صنعتی را مظهری از تمایزپذیری اجتماعی می‌داند که با تغییر و تحولات جامعه، آن نیز تغییر و تحول می‌یابد» (آرون، ۱۳۸: ۱۳۸۱). براین اساس، زلزله را می‌توان یکی از عوامل تغییر و تحول نامید که سبب می‌شود تقسیم کار اجتماعی، دستخوش دگرگونی اساسی شود. اگر چه زلزله یک پدیده طبیعی است؛ اما بعد از وقوع، به دلیل آثار اجتماعی متعددی که دارد بدل به یک

1. Herbert Spencer
2. Emile Durkheim
3. Giddens

پدیده اجتماعی می‌گردد و موجب به هم ریختگی کارکرد و ساختارهای نظام اجتماعی و نهادهای درونی آن می‌شود. بر این مبنای با عاریت گرفتن آراء نظریه پردازان جامعه‌شناسی نظم و کارکردگرایی ساختاری، تحلیل تغییر و تحولات صورت گرفته در کارکرد و ساختار نهادها، نظام ارزشی و تقسیم کار جوامع ناشی از زلزله دور از ذهن نخواهد بود. همچنین توجه به دیدگاه کنش متقابل نمادین در تحلیل کنش‌ها و واکنش‌های آسیب دیدگان، پس از زلزله به منظور شکل دهی مجدد به نظام ارزشی و ساخت‌های اجتماعی مورد نظر است.

در این پژوهش دو سوال مورد بررسی است که سوال اول شامل چند فرضیه نیز می‌باشد

۱- زلزله چه تاثیراتی بر واکنشهای جمعی افراد حادثه دیده گذاشته است؟

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بعد از وقوع زلزله، همبستگی افراد فاجعه دیده بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بعد از وقوع زلزله، مشارکت اجتماعی افراد زلزله دیده بیشتر می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بعد از زلزله، روحیه تقدیر گرایی در میان افراد حادثه دیده افزایش می‌یابد.

۲- زلزله چه تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی ایجاد کرده است؟

۲.۲ روش

زمانی که تحقیقات جامعه‌شناسی آغاز گردید، روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی، تأکید بسیار زیاد بر اندازه‌گیری هر چه دقیق‌تر متغیرها داشت. این تأکید موجب ابداع مقیاس‌های متفاوت اندازه‌گیری، کاربرد تکنیک‌های نمونه‌گیری و تعیین روش‌های استاندارد برای جمع‌آوری اطلاعات گردید. کاربرد این تکنیک‌ها همواره از نظر علمی مورد احترام بوده و هست. ولی واقعیت و تجربیات به دست آمده تأیید می‌نماید که در مطالعات مربوط به فاجعه، قابلیت استاندارد کردن، تعمیم دادن، استفاده از روش‌های تحقیق، نمونه‌گیری و کاربرد روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نظیر پرسشنامه نه تنها امکان پذیر نیست بلکه می‌تواند گمراه کننده باشد. از این رو بهترین روش جمع‌آوری اطلاعات در فاجعه، ترکیبی از روش‌های زیر می‌باشد:

- مشاهده آنچه اتفاق می‌افتد؛ شامل فعالیت‌های امدادی، آثار فاجعه بر فعالیت‌های اقتصادی، گروه‌های اجتماعی و نهادها.

- مصاحبه ژرف با آسیب‌دیدگان و با کسانی که در فعالیت‌های امداد مستقیماً مشارکت داشته‌اند.

- جمع‌آوری اطلاعات قابل دسترس از خسارت‌ها و تأثیرات اجتماعی فاجعه.

با این وجود، از روش‌های متنوعی که مکمل یکدیگرند استفاده نموده ایم. دربخش مربوط به واکنش‌های جمعی از پرسشنامه و مشاهده مشارکتی استفاده شده و در بخش مربوط به دگرگونی‌های و تغییرات اجتماعی از مصاحبه مطالعه اسنادی و مشاهده مشارکتی سود جسته ایم.

جامعه مورد مطالعه این بررسی، دانش‌آموزان متوسطه عمومی دولتی شهر بم می‌باشد که تعداد آن‌ها در سال تحصیلی ۱۳۸۷، ۲۱۶۴ نفر بوده است. جمع‌آوری داده‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و تعیین حجم نمونه با فرمول کوکران مورد نظر بود. مدارس منتخب نیز مداری بودند که درمرکز زلزله قرارداشتند.

$$n = 1 + \frac{\frac{1/96^2 (0/8)(0/2)}{0/5}}{\frac{1/96^2 (0/8)(0/2)}{0/5^2} - 1} = 220$$

در سطح اطمینان ۹۵ درصد $t = ۱/۹۶$

حجم جامعه آماری $N = ۲۱۶۴$ فاصله اطمینان $d = ۰/۵$

احتمال وجود صفت آماری مورد مطالعه در جامعه $p = ۰/۸$

احتمال عدم وجود صفت مورد مطالعه در جامعه $q = ۰/۲$

مقادیر p و q پراکندگی صفات آماری را نشان می‌دهند. بنابر نظر دواس انتخاب متغیر اعم از مستقل و وابسته در تعیین مقادیر p و q اولوی بر هم ندارند و می‌توان در تعیین مقادیر p و q یکی از متغیرهای مستقل و وابسته را انتخاب نمود (دواس، ۱۳۸۳). در این تحقیق متغیر مستقل زلزله و میزان آسیب‌پذیری از زلزله می‌باشد با توجه به مطالعات پیشین، که به کمک ۳۰ پرسشنامه انجام گرفت، بیش از ۸۰ درصد افراد مد نظر آسیب‌دیده بودند، پس p احتمال وجود صفت آماری برابر $۰/۸$ و q مبنی بر عدم وجود صفت آماری برابر با $۰/۲$ گرفته شده است. بنابراین حجم نمونه برابر ۲۲۰ نفر می‌باشد که بیانگر تعداد کسانی است که در این تحقیق برای تکمیل کردن پرسشنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی است. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، به توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه پرداخته شده و در سطح آمار استنباطی، متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آماری از آزمون T-Test استفاده شده است. در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوایی است استفاده شده است. "منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است" (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). بدین منظور از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در زمینه منطبق بودن محتوای سوالات با ویژگی‌های مورد نظر استفاده شده است. همچنین در این تحقیق برای تعیین روایی معرف‌های، همبستگی اجتماعی، روحیه تقدیرگرایی و مشارکت اجتماعی، پیش‌آزمونی از آن برای ۳۰ نفر از حادثه‌دیدگان شهر بم که عضو جامعه آماری بودند به طور تصادفی اجرا شده و پاسخ‌های پرسشنامه پیش‌آزمون به وسیله نرم‌افزار SPSS پردازش گردید، که نتیجه این پردازش و روایی‌های بدست آمده در جدول زیر بازگو شده است.

جدول شماره ۱. نتایج تحلیل روایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
همبستگی اجتماعی	۵	۰/۷۲
مشارکت اجتماعی	۶	۰/۷۱
روحیه تقدیرگرایی	۶	۰/۷۴

متغیر مستقل در این تحقیق زلزله، یکی از ویران‌کننده‌ترین و ترسناک‌ترین پدیده‌های طبیعی است که بر نواحی و محل اسکان آدمی تأثیر بسیار شدیدی دارد و تمامی خدمات اجتماعی و خدمات جوامع زلزله‌زده را به هم می‌ریزد. امواج زلزله و زمین‌لرزه‌ها با حرکتی همچون عقب و جلو رفتن و کشیدگی و رهاشدن به جلو حرکت می‌کنند به علاوه امواج شکننده و ناگهانی هم روی می‌دهند. زلزله دارای سه نوع مایل، عمودی، افقی است که میزان خرابی عمودی بیشتر از دیگر نوع‌ها است. در این مطالعه، میزان آسیب‌پذیری زلزله به وسیله معرف‌های چون تعداد اعضای و والدین فوت شده در زلزله مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

متغیرهای وابسته این پژوهش، دگرگونی‌های اجتماعی و همچنین واکنش‌های جمعی می‌باشند. واکنش‌های جمعی، خود بر بردارنده معرف‌های همبستگی اجتماعی، روحیه تقدیر گرایی و مشارکت اجتماعی است.

"دگرگونی اجتماعی، به معنای عمل گذشتن از حالتی به حالت دیگر است. همچنین تبدلات پدید آمده در آنچه دگرگون می‌شود، با این واژه به ذهن می‌آید" (بیرو^۱، ۱۳۷۵: ۳۴۱).

اصطلاح کلی دگرگونی را می‌توان در معنای تغییر محدود اجتماعی به کار برد. به منظور سنجش تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی بعد از زلزله از معرف‌هایی از جمله فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، تغییر در هنجارهای حاکم، تخریب شبکه‌های مردمی و خانوادگی و تضعیف موقعیت زنان در مقایسه با مردان استفاده شده است.

واکنش‌های جمعی: انعکاس شرایط غیر عادی (بحران) در زندگی جمعی افراد را واکنش‌های جمعی می‌گویند که شامل معرف‌های ذیل می‌باشد:

۱. مشارکت اجتماعی: «مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن است» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). به عبارتی «مشارکت به مفهوم فعالیت ارادی اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم است که جهت شکل دادن به حیات اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد» (پناهی، ۱۳۸۱: ۱۴). علوی تبار نیز با بیان این که جوهره اصلی مشارکت، یادگیری، فعالیت و تاثیرپذیری است، مشارکت را این گونه تعریف می‌نماید: «درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۹). «مشارکت، شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه ریزی، تصمیم گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف می‌باشد» (زند رضوی، ۱۳۸۳: ص ۵).

در این تحقیق برای سنجش مفهوم مشارکت اجتماعی و تأثیر زلزله بر آن دیدگاه‌های نوجوانان درباره این سوالات پرسیده شده است:

- مسئولیت پاکیزه نگه داشتن شهر تنها بر عهده‌ی مأموران شهرداری است.

- در اثر مشارکت جمعی، کارها به سرعت پیش می‌رود.

- جهت نظم دهی به امور، نیاز به یک شورای محلی است.

۲. روحیه تقدیر گرایی: عقیده‌ای است که تمام رویدادها و اتفاق‌ها را غیر قابل برگشت و تعیین شده از قبل می‌داند و به وسیله یک نیروی واحد و فرا طبیعی، انجام می‌گیرد. در این پژوهش به منظور سنجش روحیه تقدیر گرایی آسیب دیدگان از گویه‌های ذیل استفاده شده است:

زلزله یک نوع عذاب الهی است و به خاطر اعمال انسان‌ها رخ می‌دهد.

در وقوع زلزله اگر اهل انسان فرا برسد می‌میرد.

ساختن خانه‌های ضد زلزله هم اثری ندارد.

زلزله شهر بم عذابی بود از طرف خداوند.

۳. همبستگی اجتماعی: واژه همبستگی از علم فیزیک اقتباس شده است و به مفهوم نیروی نگاه دارنده مجموعه ملکول‌های یک جسم است. «همبستگی رابطه یا نیروی پیوند دهنده افراد داخل یک گروه و همبستگی شبکه نیروهایی است که هدف آن حفظ روابط اعضای گروه، در جهت مقابله با نیروهای تجزیه کننده است» (محسنی، ۱۳۶۸: ۲۱۲). در این مطالعه به

منظور تأثیر زلزله بر همبستگی اجتماعی افراد حادثه دیده از شاخص‌هایی از جمله «احساس نزدیکی به خاطر یکسان بودن افراد بعد از زلزله»، «احساس همبستگی به خاطر از بین رفتن نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی» و «احساس همبستگی به خاطر سطح روحی یکسان بعد از زلزله» استفاده شده است.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق شامل دو بخش است: بخش اول به واکنش‌های جمعی بعد از زلزله مربوط است که با استفاده از طیف لیکرت به کمک پرسشنامه استنتاج شده و نتایج پایانی آن به صورت موافق، بی‌نظر و مخالف ارائه می‌شود و بخش دوم، مربوط به دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی ایجاد شده توسط زلزله است.

جدول شماره ۲. مقیاس‌های سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر	مفهوم	شاخص
متغیر مستقل زلزله	زلزله و میزان آسیب‌پذیری	۱: تعداد اعضای فوت شده در زلزله ۲: والدین فوت شده در زلزله
متغیرهای وابسته	همبستگی اجتماعی	۱. برابری از بسیاری جهات باعث احساس نزدیکی به یکدیگر می‌شود. ۲. از بین رفتن نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی، بعد از زلزله باعث همبستگی می‌شود ۳. سطح روحی یکسان باعث احساس همبستگی می‌شود.
	واکنش‌های جمعی	۱. مسئولیت‌پذیری نگر داشتن شهر تنها بر عهده‌ی مأموران شهرداری است. ۲. در اثر مشارکت جمعی، کارها به سرعت پیش می‌رود. ۳. جهت‌نظم‌دهی به امور نیاز به یک شورای محلی است.
	روحیه تقدیر گرایی	۱. در وقوع زلزله اگر اجل انسان فرا برسد می‌میرد، ساختن خانه‌های ضد زلزله هیچ اثری ندارد ۲. زلزله شهر بم عذابی بود از طریق خداوند ۳. زلزله یک نوع عذاب الهی است و به خاطر اعمال انسان‌ها رخ می‌دهد
تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی		۱. فروپاشی تقسیم کار اجتماعی ۲. تغییر در هنجارهای حاکم ۳. تخریب شبکه‌های مردمی ۴. تضعیف موقعیت زنان در مقایسه با مردان ۵. از میان رفتن کارکرد کل برای اجزا ۶. تخریب نهاد خانواده و تغییر در ساختار آن ۷. عدم سازش متقابل میان ساختارها

یافته‌های مربوط به واکنش‌های جمعی

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۶۶/۸ درصد پاسخگویان با همبستگی اجتماعی ایجاد شده بعد از زلزله موافق ۲۲/۷ درصد بی‌نظر و ۱۰/۵ درصد مخالف بوده‌اند. همچنین با توجه به آزمون فوق و سطح معناداری ۰/۰۰۰ چون این مقدار از ۰/۵ کمتر است؛ می‌توان بیان کرد بعد از زلزله، همبستگی اجتماعی در بین افراد فاجعه دیده افزایش یافته است. در واقع پس از وقوع زلزله، هرچند برای زمانی کوتاه هنجارها و ارزش‌های معمولی زندگی از هم پاشیده، افراد منزوی و نا

امید می شوند و همه چیز را از دست رفته می دانند و به زندگی آینده فکر نمی کنند؛ اما از سوی دیگر، حادثه ی مشترک را می توان عاملی برای ایجاد همبستگی در بین مردم دانست. زلزله، نابرابری های اقتصادی و طبقاتی را برای مدتی کم رنگ می کند و افراد حادثه دیده چون از بسیاری جهات خود را برابر می دانند، احساس نزدیکی می کنند.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سنجش همبستگی اجتماعی بعد از زلزله

درصد	فراوانی	همبستگی اجتماعی			
۶۶/۸	۱۴۷	موافق			
۲۲/۷	۵۰	بی نظر			
۱۰/۵	۲۳	مخالف			
۱۰۰	۲۲۰	جمع			
95%Confidence Interval of the Difference					
T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
۹/۴۲۹	۲۱۹	.000	۱/۷۶۳۶	۱/۳۹۵۰	۲/۱۳۲۳

نتایج جدول شماره ۴ بیان گر آن است که ۵۹/۱ درصد از پاسخگویان با معرف های سنجش میزان مشارکت اجتماعی بعد از زلزله موافق ۲۱ درصد بی نظر و ۱۹/۲ درصد مخالف بوده اند. همچنین با توجه به آزمون فوق، مقدار sig برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این مقدار از ۰/۵ کمتر می باشد؛ لذا می توان بیان کرد میزان مشارکت بعد از زلزله در بین افراد حادثه دیده بیشتر می شود. پس از ورود هر آسیب به یک نظام اجتماعی هر چند آن نظام تا ترمیم کامل مدتی دچار آنومی می شود و در برخی از آسیب دیدگان برای مدتی نشانه های از ناراحتی های روانی نمایان می شود؛ اما عامل مهمی که در مشارکت افراد حادثه دیده ی شهر بم تأثیر داشت بازسازی شهر بود. با توجه به اینکه ۸۰ درصد ساختمان های شهر بم در زلزله تخریب شده بود، برای احیای مجدد شهر به مشارکت افراد نیاز بود همین عامل باعث گردیده روحیه مشارکت در بین افراد فاجعه دیده بیشتر شود.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی پاسخ گویان بر حسب سنجش مشارکت اجتماعی بعد از زلزله

درصد	فراوانی	مشارکت اجتماعی			
۵۹/۱	۱۳۰	موافق			
۲۱/۷	۴۸	بی نظر			
۱۹/۱	۴۲	مخالف			
۱۰۰/۰	۲۲۰	جمع			
95%Confidence Interval of the Difference					
T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
۹/۹۳۳	۲۱۹	.000	۱/۷۴۵۵	۱/۳۹۹۱	۲/۰۹۱۸

نتایج جدول شماره ۵ نشان می دهد که ۵۶/۸ درصد پاسخگویان دارای روحیه تقدیر گرایی بعد از زلزله بالا، ۱۵/۹ درصد متوسط و ۲۷/۳ درصد پایین بوده اند. همچنین با توجه به اینکه، مقدار sig برابر با ۰/۰۳۶ می باشد و چون این مقدار از ۰/۵ کمتر می باشد لذا می توان بیان کرد بعد از زلزله روحیه تقدیر گرایی بین حادثه دیدگان افزایش می یابد. زیرا جامعه

دچار نوعی آنومی و سردرگمی ساختاری است، ساختارهای قبلی جامعه تغییر کرده و افراد مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس ملاک‌ها، ارزش‌ها و هنجارها مثل اعتقاد به جبری بودن قضا و قدر الهی و اینکه، زلزله یک نوع عذاب الهی است سر و سامان می دهند.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی پاسخ گویان برحسب سنجش روحیه تقدیرگرایی بعد از زلزله

روحیه تقدیر گرایی	فراوانی	درصد
زیاد	۱۲۵	۵۶/۸
متوسط	۳۵	۱۵/۹
کم	۶۰	۲۷/۳
جمع	۲۲۰	۱۰۰/۰

95%Confidence Interval of the Difference						
	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
	۲/۱۰۸	۲۱۹	۰/۳۶	۰/۳۳۶۴	۰/۲۱۸	۰/۶۵۰۹

یافته های مربوط به تغییرات و دگرگونی های اجتماعی

۱- از میان رفتن کارکرد کل برای اجزا

برای تبیین یک واقعیت اجتماعی نشان دادن علت‌های آن کافی نیست؛ بلکه باید در بسیاری موارد عملکرد آن را در شبکه نظم اجتماعی آشکار سازیم. یکی از مهمترین پیامدهای زلزله بم، از میان رفتن کلی بود که اجزاء جامعه را به هم پیوند داده بود. درست است که جامعه، از مجموعه ی فراد تشکیل شده؛ اما افراد بدون در نظر داشتن نقش، پایگاه و موقعیت در یک کل ساختمانند. مفهومی نخواهد داشت. آن گاه که تک تک افراد در شبکه‌ای از روابط، نقش‌ها را می پذیرند، ساختمانندی نهادها نیز به این مجموعه می‌پیوندد و کلی به نام جامعه شکل می‌گیرد. اما با وقوع زلزله بم، جامعه کارکردها و ویژگی های راکه قبلاً واجد آن بوده را از دست می دهد.

۲- **عدم سازش متقابل میان ساخت ها:** ساخت‌گرایان بر نقش ساختار در کنش‌های اجتماعی تاکید فراوان دارند. حال با فروپاشی فیزیکی جوامع، ساخت قبلی آن جامعه از بین می رود، زیرا جامعه‌ای که تا دیروز به واسطه ارتباط نهادها بایکدیگر از ساختی قابل تبیین برخوردار بوده، امروز با بروز زلزله از یک طرف تمام ویژگی‌های قبلی خود را از دست داده و از طرف دیگر افراد تلاش می کنند، کنش های خود را در رابطه با ساخت جدید تنظیم نمایند و در این شرایط افراد دچار سرگردانی و سردرگمی می‌شوند و گاه رفتاری از آنان سر می‌زند که قابل پیش بینی و انتظار نیست. این بهت زدگی و سرگردانی بیشتر به دلیل عدم شناخت نسبت به ساخت جدید ایجاد می‌شود.

۳- **فروپاشی تقسیم کار اجتماعی:** تقسیم کار اجتماعی برائتمایز، میان تخصص‌ها ی افراد شکل می‌گیرد. با گسترش بسترهای اجتماعی، جامعه به افراد با تخصص‌های مختلف نیاز پیدا می‌کند و هرکدام از افراد نیز براساس نوع تخصص خود، مسئولیتی را پذیرا می‌شوند. زلزله بم باعث شد تقسیم کار اجتماعی دستخوش دگرگونی اساسی گردد و افراد به صورت موقتی نقش‌های محول خود را از دست بدهند. برای مثال در این شهر، فروشنده کارگر، دانش‌آموز، معلم و غیره دیگر نتوانستند در یک سیستم تقسیم کار اجتماعی که براساس تخصص ها سازماندهی شده بود به فعالیت قبلی خود ادامه

دهند. همچنین تمامی نهادها و ارگان‌ها همزمان با هم، یا کار قبلی خود را از دست داده بودند یا جایگاهشان در ساخت جدید هنوز تعریف نشده بود.

۴- تخریب شبکه‌های مردمی: شهر بم قبل از زلزله از لحاظ ساخت شهری به دو قسمت نوساز و قدیمی تقسیم می‌شد. قسمت قدیمی شهر محله‌های مجاور ارگ بم بود که خانه‌ها در کوچه‌هایی قرار داشتند که به ارگ ختم می‌شدند. در زلزله شهر بم محله‌های نزدیک ارگ کاملاً تخریب شد و تعداد زیاد کشته‌ها نیز مربوط به این محله‌ها بودند. در این منطقه مردم در هر مکانی و بر سر موضوعات مختلفی مانند، شغل، میزان مالکیت آب و زمین و محل سکونت، به صورت نامرئی گروه‌بندی‌هایی داشتند. این موضوعات مشترک، طوری عمل می‌نمود که روابط، به مرور زمان حالت عاطفی یافته و افراد به یکدیگر وابسته و نزدیک شده بودند و بیشتر مرادفات فرد، در داخل همین گروه‌ها صورت می‌گرفت. با بروز زلزله و تخریب مکان‌های زندگی، افراد به سختی می‌توانستند گروه‌های نامریی خود را در بافت جدید شهر پیدا کنند.

۵- تخریب نهاد خانواده و تغییر در ساختار آن: در زلزله شهر بم، ۲۸۵۰ زن بی‌سرپرست شدند، بیش از ۱۸۰۰ کودک والدین شان را از دست دادند و حدود ۵۰۰۰ کودک حداقل یکی از والدین شان کشته شدند. این گونه آسیب‌ها سبب بوجود آمدن تغییراتی از جمله تغییر شکل خانواده‌ها و ایجاد برخی از مشکلات روحی و روانی ناشی از این عوامل شده است. به واقع با مرگ والدین از یک طرف، اداره امور خانواده به فرزند بزرگ واگذار شده که این واگذاری به نوبه خود مشکلات زیادی به همراه داشته است و از طرف دیگر خانواده‌های آسیب دیده که یکی از زوجین کشته شده بودند هر چند با مکانیسم‌هایی مانند ازدواج مجدد و زندگی در کنار فرزندان با حمایت مالی دولت (کمیتة امداد و بهزیستی) از نظر شکل خانواده کامل می‌شدند، اما ورود همسر تازه وارد، تبعاتی را برای خانواده به همراه آورده است. در خانواده‌های بی‌سرپرستی که فرزندان آن‌ها در دوره نوجوانی و جوانی هستند، با ورود عضو تازه وارد، ناسازگاری زیادی بین آن‌ها و عضو تازه وارد مشاهده می‌شود. چنان چه در مصاحبه‌ها و مشاهداتی که توسط محقق انجام گرفت، فرزندان بی‌سرپرست، مخصوصاً آن‌هایی که مادرشان را از دست داده بودند و پدر همسر دیگری اختیار کرده بود، عنوان می‌داشتند: «وقتی آدم از مادریتم شودا پذیرم یتیم می‌شود». این موضوع نشان‌گر نارضایتی از جو خانواده جدید و آسیب‌های روحی ناشی از آن است. در این گونه موارد بسیاری از افراد به خانواده به عنوان مأمن و پشتیبان روانی و اجتماعی نگاه نمی‌کنند؛ بلکه بیشتر به عنوان محلی برای خوردن و خوابیدن می‌نگرند.

۶- آسیب پذیری زنان نسبت به مردان: جنسیت تأثیر بسزایی در میزان آسیب‌پذیری از زلزله دارد. چنان چه در شهر بم مشاهده می‌شد؛ زن‌هایی که در اثر زلزله، شوهر خود را از دست داده‌اند از نظر روحی، مالی و اجتماعی بسیارافت کرده و اکثرآ تحت پوشش کمیته امداد قرار گرفته‌اند. بسیاری از زن‌ها، به دلیل عدم وجود کار مناسب برای آن‌ها در شهر و همچنین پایین آمدن شانس ازدواج مجدد، خود را سیاه بخت می‌دانستند. بعد از زلزله جایگاه زنان نسبت به مردان تنزل پیدا کرده بود. چرا که مردانی که زنان خود را از دست بودند دست به بازسازی جدید و اقدام به ازدواج نمودند. ولی شانس زنان برای ازدواج مجدد بعد از زلزله در شهر بم بسیار پایین آمده است. همچنین بعد از زلزله، دختران بی‌سرپرست در مقایسه با پسران بی‌سرپرست از نظر روحی دچار چالش‌های شدیدی شده‌اند، اکثر دختران بعد از زلزله از نظر اجتماعی دچار افت شده و حتی فرصت ازدواج آن‌ها نیز به دلیل از هم پاشیدگی خانواده پایین آمده است و تعدادی از آن‌ها به ازدواج‌های اجباری تن می‌دهند و تعداد دیگر نیز به علت فشارهای عصبی، خانوادگی به فکر فرار از خانه می‌افتند. زنان بعد از زلزله مسئولیت مراقبت و نگهداری از دیگران، به ویژه کودکان، را نیز بر عهده دارند و به نیازهای دیگران قبل از نیازهای خود می‌پردازند. همین مسأله موجب افت سلامتی و وضعیت عاطفی روانی آنان می‌شود.

۴. بحث

در برآیند داده‌های تجربی جمع‌آوری شده، باید اشاره داشت که اولین اثر زلزله در شهر بم ایجاد دگرگونی در محیط زندگی ساکنین این شهر است. این دگرگونی‌ها منشاء تغییر در رفتار و فروپاشی تقسیم کار اجتماعی، افول کارکردهای نهادهای آموزشی و اقتصادی و عدم ایفای نقش‌های محول نیز می‌باشد. پی‌آمدی که منجر به عدم پیروی کنش‌گران اجتماعی از هنجارهای متعارف و در نتیجه بی‌نظمی جامعه است.

یافته‌های برآمده از تحقیق با استناد به پیش‌فرض‌های موجود و نتایج حاصل از آزمون و سنجش معرف‌های واکنش‌های جمعی به‌گونه‌ای رقم‌خورده که برخلاف تصور، بعد از زلزله نه تنها همبستگی و مشارکت اجتماعی کاهش نمی‌یابد؛ بلکه به دلیل بازسازی شهر، چنین متغیری سیر صعودی دارد. در ادامه فرایند تحول پس از زلزله، نتایج بررسی‌های نشان می‌دهد که آسیب‌دیدگان مرحله جدیدی از زندگی خود را بر اساس اعتقادات و ارزش‌های جدید سر و سامان داده‌اند؛ افزایش روحیه تقدیرگرایی مابین آن‌ها تا آن‌جا افزایش یافته که، زلزله را یک نوع عذاب الهی از طرف خداوند می‌دانند و بر این باورند که اگر اجل فرا رسد، انسان میرا است و ساختن خانه‌های محکم و مقاوم کاری عبث و بیهوده خواهد بود. همچنین یافته‌ها بیان‌گر آن است که جنسیت نقش مهمی در آسیب‌پذیری پس از زلزله دارد و زنان نسبت به مردان در این شرایط آسیب‌پذیرترند.

هدف از این گفته‌ها، دستیابی به این نکته است که زلزله صرفاً یک حادثه طبیعی نیست؛ بلکه به سبب آثار اجتماعی گوناگون برجای‌گذارده، پدیده‌ای اجتماعی است. فاجعه بم اوج توسعه نیافتگی کشور را برملا ساخت؛ مدت کوتاهی قبل از زلزله بم زلزله‌ای با شدت مشابه در ایالت کالیفرنیا آمریکا و مدت زمانی پس از بم چنین رویدادی در کشور اندونزی روی داد. در زلزله کالیفرنیا تنها ساختمان قدیمی یک تئاتر تخریب و دو نفر کشته شدند و در اندونزی تعداد کشته‌ها ۶۹ نفر (نجاریان، ۱۳۷۹) گزارش شد. حال آن‌که در بم بر اساس گزارش صلیب سرخ از ۱۲۰ هزار نفر جمعیت ساکن شهر بم و بروات و اطراف آن حدود ۳۰/۰۰۰ نفر کشته و ۶۵/۰۰۰ نفر جراحات برداشتند و ۸۵ درصد ساختمانهای شهرویران گردید. تأسف بارتر آن که بیمارستان و عمده‌سازمان‌های دولتی نیز در زمره این ویرانی‌ها بودند. اما سازه‌هایی که ساده‌ترین اصول مهندسی را با توجه به زلزله رعایت کرده بودند، فرو نریختند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، هنوز سال‌ها پس از زلزله حادثه دیدگان سطح بالایی از فشار روانی را تحمل می‌کنند؛ زیرا زلزله در درازمدت پیامدهای نظیر افت تحصیلی، ترک تحصیل، خودکشی، مصرف ناهنجار مواد مخدر، رفتارهای بزه‌کارانه، انزوای اجتماعی به همراه داشته. ممانعت از این پیامدها، حضور هر چه بیشتر مراکز مشاوره‌ای و درمانی و حمایت‌های حضوری و همراهی افراد خاص، مانند مسئولین دولتی، روان‌پزشکان، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی را ضروری جلوه می‌دهد. خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد را با جریان اجتماعی شدن آشنا می‌کند، در جریان زلزله در زمره اولین نهادهایی است که با آسیب‌های جدی مواجه می‌شود. برای کاهش این‌گونه آسیب‌ها، پیشنهاد می‌شود که از یک سو فرهنگ ازدواج مجدد برای زنان و مردان همسر از دست داده، به خصوص برای زنان که به علت فرهنگ نامناسب شهر فرصت کم‌تری برای ازدواج مجدد دارند، ترویج گردد و به دنبال آن توجیه فرهنگی فرزندان که اولیاء آن‌ها ازدواج مجدد کرده‌اند جهت پذیرش عضو جدید راهگشا است. همچنین تشویق و آموزش مردم در راستای حذف ارزش‌ها و هنجارهای غیر کارکردی یا کژ کارکردی از فرهنگ عمومی مانند اعتقاد به جبری بودن سرنوشت انسان، اعتقاد به مطلق بودن قضا و قدر الهی و عدم تأثیر انسان در تغییر سرنوشت خویش باید به‌طور ویژه در دستور کار قرار گیرد.

در پایان، با عنایت به این‌که کشور ایران روی‌گمربند زلزله قرار گرفته و راهی جهت فرار از این موضوع وجود ندارد؛ مدیریت بحران در راستای کاهش پیامدها و آسیب‌های بعد از وقوع زلزله می‌تواند مشتمل بر موارد فوق باشد:

۱. بومی شدن مدیریت امداد و نجات؛ یعنی آموزش امداد و نجات به نیروهای بومی که در منطقه مستقرند.
۲. آگاه ساختن مردم از خطرات زلزله و تشویق در جهت تغییر محل زندگی در مناطقی که بر روی گسل قرار دارند.
۳. نظارت صحیح دولت بر ساخت و ساز و وضع قوانین و مقررات جلوگیری از سازه‌های اضافی و غیر استاندارد.
۴. انجام کارهای فرهنگی جهت نهادینه شدن فرهنگ ایمنی در فرهنگ عمومی مردمی.
۵. استفاده از نیروهای بومی در ساخت و سازهای پس از زلزله جهت اشتغال زایی آسیب‌دیدگان.

Archive of SID

منابع

- ادیبی، انصاری (۱۳۵۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه.
- آرون، ریمون (۱۳۸۱). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، (باقر پرهام، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- آقابخش، حبیب‌الله (۱۳۸۲). منشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی (با نگاهی به زلزله بم)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۷ ص ۱۳۳ تا ۱۴۴.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، (ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۱). راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در عرصه فرهنگ، مجموعه مقالات دولت، مردم و همگرایی، جلد اول، تهران.
- پیران، پرویز (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱ ص ۱۳ تا ۴۸.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- زند رضوی، سیامک (۱۳۸۴). مشارکت شهروندان در مناطق آسیب دیده در قالب اجتماعات محله‌ای برای آمادگی مواجه با پیامدهای حوادث طبیعی، مجموعه مقالات جامعه‌شناسی. مدیریت بحران (تجربه بم).
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بم سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۱). مدیریت بحران، برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳ و ۴ ص ۱۲۵ تا ۱۵۱.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد اول، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- فوردهام، مارین (۱۳۸۲). جایگاه جنسیت در آسیب پذیری ناشی از آثار و پیامدهای زمین لرزه، (مهدیس کامکار، مترجم). فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱ ص ۲۶۲ تا ۲۷۵.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- گزارش اقتصادی اجتماعی استان کرمان. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمان، ۱۳۷۹.
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۳). چکیده آثار انتونی گیدنز. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی عمومی. چاپ نهم.
- نجاریان، بهمن و براتی سده، فرید (۱۳۷۹). پیامدهای روان‌شناختی فاجعه‌ها. تهران: نشر مسیر.
- **Barkun, M. (1977).** Disaster in History. Mass Emergencies.
- **Barkun, M. (1974).** Disaster and the millennium, New Haven. Yale University Press.
- **Bates, Frederick L. (1982).** Recovery, change and Development: A Lngitudinal study of the Guatemalan. Earthquake. Athens, GA University of Geogia, USA.
- **Britton, Neil H. (1987).** Toward a Reconceptualization of Disaster for the Enhancement of Social Preparation, Dynes etal. Sociology of Disasters, Milano, Franco Angeli.
- **Dynes Russel, R. (1987).** Introduction, Dynes et al Sociology of Disasters. Op cited.
- **Dynes Russel, R. and Quarantelli, Enrico L. (1973).** When Disasters Strikes. Sociology: Human Society. Melvin L Defleur. Etal. Glenview, Scott, Foresman Co.

- **Frtz, Charles F. (1972).** Disasters. International Encyclopedia of social sciences. New York: Macmillan & Free Press.
- **Quarantelli, E.L. (1996).** Just as a disaster is not simply a big accident, so a catastrophe is not just a bigger disaster. The Journal of the American Society of Professional Emergency Planner: 68-71.
- **Sorokin, Pitirim A. (1942).** Man and Society in Calamity. New York: Dutton.

Archive of SID